

عنوان مقاله:

نقد و تحلیل نقش مسیحیت و عوامل همسو با آن در واژگونی تاریخیت خواست طبیعی انسان و نخبگان؛ از دیدگاه نیچه

محل انتشار:

دوفصلنامه متافیزیک، دوره 16، شماره 37 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

سیدحسن فلسفی طلب - استاد مدعو علوم و قرآن حدیث، دانشکده علوم قرآنی زابل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

خلاصه مقاله:

از منظر نیچه؛ یکی از علل شاخص بدبینی در فلسفه ی شوپنهاور؛ ریشه در تاثیر عمیق دین مسیحیت در لایه های زیرین فرهنگ اروپا دارد. بدبینی مقدمه رسیدن به بیزاری است، بیزاری جستن از هرگونه «خواست طبیعی» و «تفاوت» است. «اصل تفاوت» چیزیست که افلاطون پیش از این بدان پرداخته بود. البته؛ نیچه نه تنها تلاش های افلاطون در این باب را ناکافی می داند بلکه؛ پیامدهای حاصل از فلسفه ی او را از بین برنده ی «اصل تفاوت» میدانند. با ظهور مسیحیت و شعار برابری ذاتی انسانها؛ اصل «تفاوت طبیعی» انکارگردید. به باور نیچه؛ این امر نه تنها باعث حذف عنصر «خواست طبیعی» و تفاوت انسانها باهم شد بلکه؛ باعث انکار و حذف طبقه ی نخبگان جامعه شده است که «تفاوت» را به مراتب آشکارتری دارند. او دلیل این امر را عدم حس تاریخی و نیز ناتوانی مسیحیت و فلسفه های همسو با آن در تبارشناسی مذاهب و اخلاق (فیزیولوژی نیروها) می داند. دین مسیحیت پولسی و همچنین وجود برخی عوامل روانشناختی باعث گردیده که نوع بی نظیری از انسان ها سرکوب شوند. بررسی تمام علل تباهی نیروی نخبگان؛ بخشی از پروژه اصلی نیچه است که در این مقاله تلاش شده مهم ترین آنها تحلیل گردد

کلمات کلیدی:

تبارشناسی، اخلاق، انسان، سروران، بردگان، مسیحیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2001947>

